

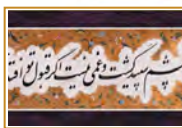
تقشیر خیال

گاهنامه
کانون هنرهای تجسمی

سال دوم، شماره سوم،
بهمن ۱۳۹۵، ۲۴ صفحه



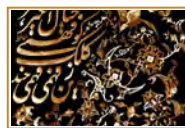
هیچ و صندلی



خوشنویسی ۱۹



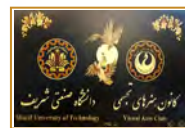
معرفی هنرمند ۹



معرق ۶



ویترای ۳



نمایشگاه خیال ۲



سر مقاله سردبیر

در این دنیای پر از هیاهو و دغدغه، آیا هنوز در ذهنمان جایی برای درک عمق معنای هنر باقی مانده است؟ این که هنر به واقع یعنی دوست داشتن، یعنی زندگی کردن و نه صرفاً زنده بودن و یا این که هنر، اصطکاک روح است با فضای اطراف و تعاریفی این چنینی که از بزرگان عرصه هنر نقل شده است؟

شاید این تأثیر و مفهوم هنری وجودمان در این بحبوحه‌های زندگی، کاری بسیار کمرنگ و سرد شده باشد تا آنجایی که حتی در طول هفته، نگاهمان به یک تابلوی نقاشی و طراحی که پر از شور و شغف و زاییده عشق نقاش و طراح آن است، یا یک مجسمه که جلوه‌گر مفاهیم انتزاعی و ادراکی نانوشته است، یا یک اثر هنری سنتی کشورمان ایران و غیره نیافتد و یا با سردی و از روی عادت یا نداشتن حوصله، از کنارشان عبور کنیم.

به قول یکی از هنرمندان، "روشنفکر کسی است که یک حرف ساده را به شیوه‌ای دشوار می‌گوید و هنرمند کسی است که یک حرف دشوار را به شیوه‌ای ساده و قابل درک می‌گوید". گاهی به زمان احتیاج داریم. بهتر نیست کمی از کالبد روشنفکرانه درآمده و در باطن هنرمندانه وجودمان غرق شویم؟ جبران خلیل جبران چه خوب تعبیر کرد که "هنر گامی است از شناخته‌ها به سوی ناشناخته‌ها".

و یا به قول شاملو، باید هنرمندان را سلسله‌جایی بدانید که بعضی قله‌های آن از ابرها بیرونند، بالاترند؛ اما همواره باید یادمان باشد که هنرمندان، وجودی معصومانه و کودکانه دارند. اگر همه این‌ها بود و بیش از این‌ها، آن‌گاه ممکن است که او را بشناسیم...

اگر دانش می‌جوییم و سرشار از دغدغه‌ایم، به یقین روحی وسیع داریم که به کرات، تشنه‌ی بُعد هنری خود می‌شود. پس به دنبال فرصتی مناسب خواهیم بود. تلاش ما بر این است که کانون هنرهای تجسمی همان فرصت مناسب باشد و بتواند اندکی التیام بخش باشد. در این شماره از گاهنامه برآنیم تا کمی شما را در وادی هنر غرق کنیم.

نمایشگاه خیال



تابلوی معرق چوب با زمینه‌ی پلی استر شامل چوب‌های عناب، رز، آفاقیا، توت، سرخدار، نارنج، راش، پسته، زرشک، گردو و ...

سردر کانون هنرهای تجسمی

در عصر حاضر که شاهد جدا شدن صنعت و هنر از یکدیگر هستیم، به این فکر افتادیم که حرکت و تحولی شکل پذیرد تا اصالت و گذشته‌ی پر از زیبایی و شکوه این مرز و بوم، جانی دوباره گیرد. بهترین بستر و مناسب‌ترین فضا برای دستیابی به این مهم، جایی است که خود نشردهنده علم و دانش است.

تابلوی سردر کانون، که در عکس بالا مشاهده می‌کنید، آذرماه سال جاری توسط دستان هنرمند آقای رامین یکتا و خانم راضیه یگانه، از دانشجویان دانشگاه شریف و اعضای معرق‌کار کانون، و البته با حمایت‌های مسئولین باذوق دانشگاه، ساخته شد و بر سردر کانون نقش بست تا بهانه‌ای شود برای معرفی هرچه بیشتر رشته هنری معرق و ترغیب کردن دانشجویان به یادگیری هنرهای مختلف. در این شماره از گاهنامه، با هنر معرق بیشتر آشنا می‌شوید.



آموزش ویترای

نویسنده: زهرا نوروزی

روح لطیف و زیبایی شیشه، این ماده را به یکی از مناسب ترین ابزار برای نقاشی تبدیل کرده است. چراکه شیشه، به دلیل شفافیتی که دارد، می‌تواند ماهیت رنگ‌ها را همان‌گونه که درخور موجودیت زیبایشان است، به نمایش گذارد. این نوع نقاشی، قدمتی دیرینه دارد و به خاطر قدیمی بودنش، روش‌های مختلفی هم برای ایجاد یک اثر در این هنر به وجود آمده است. در واقع با گذشت زمان، روش‌ها، ابزار مورد نیاز و حتی طرح‌ها و نقش‌های آن نیز دچار تحول و پیشرفت بسیار زیادی شده است. امروزه متداولترین روش، استفاده از خمیرهای دورگیر ویترای و رنگ‌های مخصوص نقاشی روی شیشه و طرح‌های مدرن می‌باشد.

از رنگ‌های قشنگ ویترای می‌توان برای تزئین شیشه‌های خالی سس، مربا و اغلب ظروف شیشه‌ای که در خانه‌ها پیدا می‌شود، استفاده کرد و این اشیاء به ظاهر بی‌مصرف را برای زیبایی بیشتر محیط خانه و آشپزخانه به کار گرفت.

قبل از شروع آموزش مقدماتی، لازم است تا با رنگ‌های متنوع و زیبای ویترای بیشتر آشنا شویم. یکی از ویژگی‌های رنگ‌های ویترای این است که خاصیت منبر بودن شیشه را به خوبی حفظ می‌کنند و در عبور زیبایی نور از لطافت شیشه، اختلال ایجاد نمی‌کنند (حضور نور و عبور آن از این رنگ‌ها مهمترین دلیل زیبایی نقاشی‌های روی شیشه محسوب می‌شود). برای یک شروع ساده و ابتدایی، به مواد و ابزار روبه‌رو نیاز داریم: رنگ ویترای، خمیر دورگیر، قلم‌مو، تینر، پالت

رنگ‌های ویترای بر دو پایه تینر و آب موجودند که اولی برای زمانی است که احتمالاً بخواهیم ظرف را در آینده بشوریم. خمیرهای دورگیر ویترای نیز بر دو پایه تینر و آب هستند. بعد از رنگ و خمیر دورگیر، به قلم‌موهای مختلف نیاز داریم. شماره قلم‌مو را بر اساس ظرافت طرحی که می‌خواهیم بر روی شیشه نقاشی کنیم، انتخاب می‌کنیم. تینر نیز برای پاک کردن اشتباهات احتمالی روی سطح کار و یا رقیق و کمرنگ کردن رنگ، استفاده می‌شود. در آخر هم به یک پالت و یا سطح شیشه‌ای بی‌مصرف که بتوان رنگ‌ها را روی آن گذاشت و ذره ذره استفاده کرد، احتیاج داریم.

اگر نقاشیتان خوب نیست، می‌توانید طرح موردنظر خود را پشت سطح کار بچسبانید و با خمیر دورگیر، خطوط طرح را دورگیری کنید و بعد، طرح را رنگ‌آمیزی کنید.

حال به تشریح مراحل اجرای کار ویترای می‌پردازیم :



مرحله ۴- با خمیر دورگیر، روی تمام خطوط طراحی شده را بکشید (خمیر دورگیر رنگ‌های متنوعی دارد که می‌توانید متناسب با طرحتان انتخاب کنید):



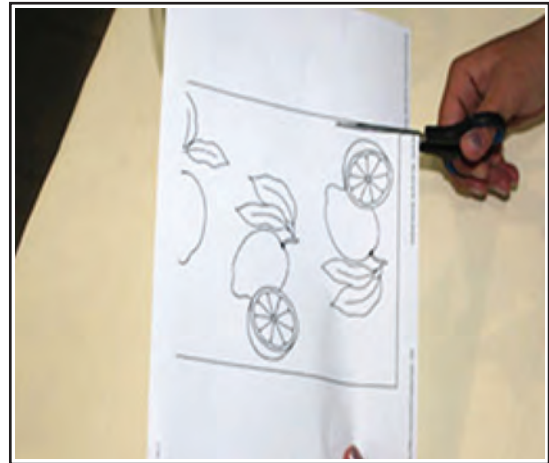
مرحله ۱- آماده‌سازی وسایل و مواد مورد نیاز ویترای شامل: خمیر دورگیر، رنگ مخصوص ویترای، قلم‌موی ظریف، ماژیک برای انتقال طرح روی شیشه، ظرفی که می‌خواهید روی آن ویترای کار کنید و طرحی که دوست دارید روی ظرف کار شود:



مرحله ۵- بعد از اتمام دورگیری طرح، اجازه دهید خمیر کاملاً خشک شود. سپس با قلم‌موی ظریف و بادقت زیاد، شروع به رنگ زدن کنید:



مرحله ۲- طرح را چیده و جدا کنید:



مرحله ۶- اگر ظرف انحنای داشت، برای رنگ‌گذاری، از قطره چکان استفاده می‌کنیم تا رنگ‌ها شره نکنند:



مرحله ۳- طرح را داخل ظرف با چسب نواری بچسبانید و با ماژیک روی ظرف انتقال دهید:





مرحله ۷- با خمیر دور گیر، نقاطی روی طرح ایجاد می کنیم:



مرحله ۸- با اسپری براق کننده سطح کار را می پوشانیم:



اما نکاتی که باید در حین کار رعایت کنیم:

- رنگ‌های محلول در آب، نیازی به حرارت دیدن در اچاق ندارند. این رنگ‌ها برای نقاشی روی سطوحی مانند آینه، که نیاز به شست‌وشو ندارند، مناسب هستند.
- رنگ‌های مخصوص شیشه، باید داخل فر حرارت ببینند. این رنگ‌ها باید حدود ۳۰ دقیقه در دمای ۲۰۰ درجه سانتی گراد پخته شوند و پس از پخت، ثابت شده و قابل شست‌وشو خواهند بود.
- رنگ‌های محلول در تینر که اغلب شفاف هستند، بدون حرارت دیدن در فر نیز قابل شست‌وشو هستند.
- ظروف باید در فر کاملاً سرد گذاشته شوند و بعد، فر را روشن شود. قبل از سرد شدن کامل فر، به هیچ عنوان نباید در فر باز شود.
- این ظروف بیشتر جنبه ی تزئینی دارند. بنابراین تا جایی که ممکن است، از شست‌وشوی آن‌ها خودداری کنید.



یک پارچ ویتراژ شده



هنر معرق کاری

نویسندگان: رامین یکتا و راضیه یگانه



نگاهی به تاریخچه هنر معرق

معرق در معنای کلام «اصولاً هر چیز رگه دار را گویند» ولی مفهوم آن در این نوع بخصوص هنر، ایجاد نقش‌ها و طرح‌های زیبایی است که از دوربری و تلفیق چوب‌های رنگی روی زمینه‌ای از چوب یا پلی‌استر سیاه شکل می‌گیرد.

تاریخ پیدایش این هنر به درستی مشخص نیست ولی از تطبیق آن با هنر کاشی‌کاری، بدون شک رابطه این دو هنر را درمی‌یابیم. برای آشنایی با ریشه‌ی این هنر، صحبت از تاریخ تکوین به میان می‌آید و به عنوان مقدمه، می‌توان از گنبد سرخ مراغه که در زمان ایلخانیان ساخته شده است، یاد کرد؛ این گنبد نوع بسیار ساده‌ی کاشی‌کاری بدین سبک است.

کاشی‌کاری معرق در دوران مغول نیز به همین منوال بود و تداول آن در عصر صفوی به اوج شکوفایی خود رسید و آثار ارزنده‌ای در هنر کاشی‌کاری پدید آمد. این شکوفایی در زمان افغانه و زندیه رو به افول نهاد. در دوران قاجاریه نیز کاشی‌کاری معرق، تقلیدی ناقص از آثار گذشتگان بود. تا این دوران، نقش‌هایی که در کاشی‌کاری معرق به کار برده می‌شد، نقش‌های اسلیمی بود. اما با سفر عده‌ای از هنرمندان به اروپا و گرایش آنان به هنر و فرهنگ اروپایی، تغییرات و دگرگونی‌های بسیاری در نقش‌های کاشی‌کاری به عمل آمد و از آن پس، طرح انسان و دیگر اشکال مانند اسلحه جنگی در هنر کاشی‌کاری دوران قاجاریه نمایان شد.

از آن دوران تا به امروز، این هنر، چونان گذشته رونق نداشته است و تنها عده‌ی کمی از هنرمندان در زنده نگه‌داشتن آن کوشا بوده‌اند. وجه تشابه کاشی‌کاری معرق با معرق کاری روی چوب، در شیوه‌ی عمل است؛ در هر دو، نقش‌ها از ترکیب قطعات رنگی جنس مورد نظر شکل می‌گیرد.

یکی از نمونه‌های قدیمی موجود از آمیزه‌ی این دو هنر، دری قدیمی و بزرگ متعلق به عصر قاجاریه است که در ضلع شمال غربی محوطه وزارت آموزش و پرورش فعلی قرار دارد. ارتفاع این ساختمان در حدود چهار و نیم متر و عرض آن سه متر است و سردری نیم دایره در بالای آن قرار گرفته است.

انواع معرق

معرق کاشی

تقریباً می‌توان گفت معرق کاشی، قدیمی‌ترین معرق موجود است. معرق کاشی را با چسباندن تکه‌های خورد شده کاشی در کنار هم خلق می‌کنند. از معرق کاشی برای تزیین گلدان، آینه، ستون، دیوار و ایجاد تابلو‌هایی در سایز بزرگ استفاده می‌شود.

معرق چوب

رنگ‌آمیزی و نقش و نگار چوب درختان مختلف، یکی دیگر از زیبایی‌های طبیعت است که خداوند، در اختیار ما قرار داده است. برای همین، از گذشته، ایرانیان از این زیبایی طبیعت برای خلق آثار هنری استفاده کرده‌اند که یکی از این هنرها، هنر معرق کاری است. معرق کاری از کنار هم قرار دادن چوب درختان مختلف تشکیل می‌شود. تا امروز، از روش‌های مختلفی برای خلق این آثار هنری استفاده شده است که از نظر روش ساخت، به سه دسته زیر تقسیم می‌شوند:

الف) معرق با زمینه پلی‌استر (اثر رامین یکتا)





(ب) معرق با زمینه چوب



(ج) معرق تفکیک رنگ



و از نظر طرح استفاده شده در معرق، به چهار دسته زیر تقسیم می شوند:

(الف) خط (اثر رامین یکتا)



(ب) مینیاتور (اثر رامین یکتا)



(ج) گل و مرغ (اثر راضیه یگانه)



(د) رئال (اثر راضیه یگانه)



معرق فلز

هنر معرق روی فلز، یکی از رشته های پرپیشینه صنایع دستی ایران است که در کشور، جایگاه و قدمتی ویژه دارد. این هنر در ابتدا تلفیقی از چوب و فلز بوده که به کمک ذوق و اندیشه معرق سازان هنرمند، تغییر شکل داده و صنعتگران کشورمان به جای یک نوع فلز، که معمولاً متن اصلی دست ساخته ها را تشکیل می داد، به استفاده از انواع فلز با رنگهای مختلف پرداختند.



معرق ساقه گندم (معرق)

این هنر از تلفیق حصیرهای رنگ شده در کنارهم روی زمینه ای از چوب و یا نئوپان زیرکاری شده پدید می آید. این نوع از معرق برای تزئین سطح انواع میزها، بوفه، پاروان، درهای چوبی، تکیه گاه صندلی، کمد و یا هر وسیله چوبی دیگر به کار برده می شود. همچنین در نمای ستون داخل منزل و بالای شومینه نیز کاربرد دارد. هنر معرق حصیری را می توان در پشت شیشه به صورت تابلو و یا پشت وسایل شیشه ای مانند میز شیشه ای، بوفه و غیره نیز استفاده کرد.





حس بی کلام

نویسنده: رفیعه مصاحب

زندگی نامه

استاد پرویز تناولی که به «خالق مجسمه‌های هیچ» معروف است، مجسمه‌ساز، نقاش، پژوهشگر و مجموعه‌دار معاصر ایرانی با چهره‌ای بین‌المللی است. آثار وی در موزه‌های اتریش، ایتالیا، آلمان، آمریکا و انگلستان به نمایش درآمده است. او متولد سومین روز فروردین‌ماه سال ۱۳۱۶ در محله‌ی دروازه شمیران تهران است. در کودکی، نواختن ساز ویولن را نزد استادانی چون ابوالحسن صبا و نیکنواز فراگرفت و همزمان، دوران دبیرستانش را در دبیرستان ادیب ادامه داد. در آن زمان، با ساخت ماسک صورت استاد صبا، توجه همگان را به خود جلب کرد. پس از آن، وارد هنرستان کمال‌الملک شد. در سال ۱۳۳۲ در رشته‌ی مجسمه‌سازی هنرستان هنرهای زیبا نام‌نویسی کرد و پس از گذراندن یک دوره‌ی سه‌ساله‌ی مجسمه‌سازی، با پول پس‌انداز شده از تدریس موسیقی، عازم ایتالیا گشت و در آکادمی هنرهای زیبای شهر کارا در همان رشته‌ی مجسمه‌سازی مشغول به تحصیل شد اما اندکی بعد، به دلیل عدم توانایی در پرداخت مخارج زیاد، ناگزیر به بازگشت به ایران شد. این توفیق اجباری، با برپایی دو نمایشگاه از طرح‌ها و حکاکی‌هایش، سبب وقوع اتفاقی تازه‌ای در هنر ایران، به‌خصوص در حوزه‌ی مجسمه‌سازی گشت. در نمایشگاه اولش، طرح‌ها و حکاکی‌هایی را به نمایش گذاشت که غالباً در ایتالیا اجرا کرده بود. موضوع حکاکی‌هایش، عمدتاً حمام‌های عمومی و یا نوازندگان دوره‌گرد بود.

تناولی موفق شد برای نخستین بار در ایران، به عنوان یک مجسمه‌ساز، اثری کاملاً متفاوت شامل حکاکی‌ها، مجسمه‌های سفالی و مجسمه‌های ساخته‌شده از آهن قراضه‌ها را به نمایش بگذارد. اندکی بعد، بورسیه‌ی تحصیلی برای ادامه تحصیل در ایتالیا توسط وزارت فرهنگ وقت به او اعطا شد. سفرش به میلان، با موفقیت‌های زیادی همراه بود. دو سال در آکادمی بررا (Brera) نزد مارینو مارینی، مجسمه‌ساز برجسته‌ی ایتالیایی آموزش دید و با کسب رتبه‌ی اول، ۱۶ اثر او به عنوان بهترین آثار یک فارغ‌التحصیل مجسمه‌ساز، در گالری ری ماگل (Re Magl) شهر میلان به نمایش گذاشته شد.



فعالیت‌ها و نحوه‌ی الهام‌گرفتن در ساخت آثار

فرهاد

تناولی خیلی به فرهاد دل بسته بود و او را به انواع و اقسام مختلف می‌ساخت؛ گاهی خودش با او ایستاده بود (شکل ۱)، گاهی فرهاد را با معشوقه‌ی خیالی‌اش که هیچ‌وقت باهم نبودند، می‌گذاشت (شکل ۲) و گاهی هم فرهاد تنها بود (شکل ۳). چون در آمریکا فرهاد را نمی‌شناختند، به جای فرهاد، از کلمه‌ی شاعر استفاده می‌کرد و هر جا که مجسمه‌ی فرهاد را می‌ساخت، نام شاعر را روی آن می‌گذاشت.



شکل ۱: فرهاد



شکل ۲: فرهاد با معشوقه‌ی خیالی‌اش



شکل ۳: فرهاد تنها

وقتی در سال ۱۳۳۹ از ایتالیا به ایران بازگشت، برایش مسجل بود که نمی‌خواهد کارهایش، نسخه‌ی بدل کار اروپایی‌ها باشد. مجسمه‌های ساخته‌شده در ایتالیا غنی بودند و ۲۰۰۰ سال مجسمه‌سازی آن‌ها زنجیروار به هم پیوسته بود. در آن زمان، تناولی دید که ما در مقابل آن‌ها، چیزی نداریم به جز فرهاد؛ که یا افسانه است یا نیست. این گونه بود که فرهاد شد مراد و معلم او و به موضوع اصلی مجسمه‌هایش تبدیل شد. از دید او، فرهاد، نه تنها کوهکنی عاشق‌پیشه بلکه معلمی بزرگ بود (شکل ۴ و ۵).



شکل ۵: فرهاد افتاده (۱۳۳۸)

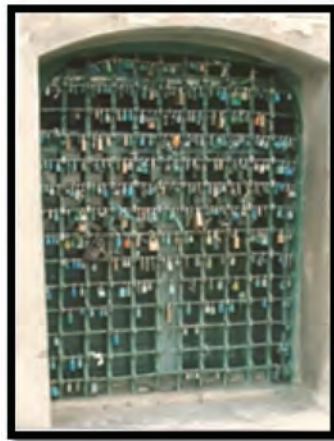


شکل ۴: فرهاد و آهو (۱۳۳۹)

در این دوران، کشف جنوب شهر تهران برایش همانند کشف معدن طلا بود. زیرا پوستره‌های مذهبی را جمع می‌کرد و قفل‌هایی را که اطراف امامزاده‌ها می‌فروختند، می‌خرید. این‌ها اشیایی بودند که بسیار به آن‌ها علاقه‌مند بود. وقت او با این کارها می‌گذشت و همیشه دست پر برمی‌گشت؛ یا از حرم شاه عبدالعظیم تعدادی دعا خریده بود و یا قفل‌هایی که آنها را به کارگاهش می‌برد. اولین آتلیه‌ی او، آتلیه‌ی کبود بود. هم‌زمان با کار در آن‌جا، در جنوب شهر که سرچشمه‌ی الهامش بود پرسه می‌زد. به هر کجا که فرهنگ غنی ایران در آن بود، سر می‌زد؛ کوچه‌بازار، امام‌زاده‌ها، مساجد و غیره. به گفته‌ی او، ایرانی‌ها در ساخت اجسام سه بعدی، مهارت داشتند؛ مجسمه نمی‌ساختند اما کوزه و ظروف زیبا می‌ساختند و ابزاری که برای در و دیوار و معماری استفاده می‌کردند، همه سرشار از خلاقیت بود و لزومی نداشت که او، تنها آدم بسازد. در کنار اشیاء دست‌ساخت، معماری ایرانی نیز منبع الهامش بود؛ بیانی هنری به زبان حجم. معماری تنها در مساجد و کاخ‌ها نبود. یک نوع معماری عامیانه داریم که مردم در ساخت خانه‌هایشان به کار می‌برند. جزییات بعضی از آن‌ها آنقدر زیبا بود که از رویشان مجسمه می‌ساخت. در مجموع با وجود این منابع غنی مانند فرم مشبک حرم، سقاخانه‌ها، امام‌زاده‌ها، بادگیرهای خانه‌ها و ... نیازی نداشت که به غرب نگاه کند و ایده بگیرد (شکل‌های ۶ تا ۱۰).



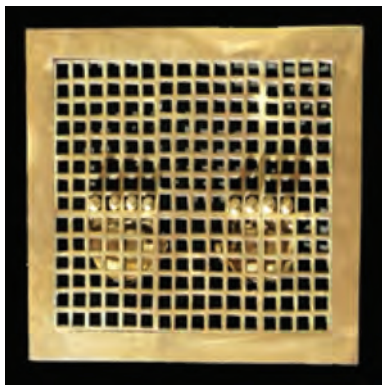
شکل ۸: معماری سنتی ایرانی



شکل ۷: سقاخانه‌ای در قزوین



شکل ۶: معماری عامیانه



شکل ۱۰: دست و ضریح (۱۳۸۲)۲



شکل ۹: دست و ضریح (۱۳۸۲)۱

چون به قفل علاقه‌ی زیادی داشت، به بعضی از قسمت‌های مجسمه‌ها قفل آویزان می‌کرد (شکل ۱۱). این‌ها به تدریج شبیه مجسمه‌های مذهبی می‌شد؛ چون یادآور مجامع مذهبی مانند امام‌زاده‌ها بود. در این دوران بود که با حسین زنده‌رودی آشنا شد. این دو نفر ایده‌هایشان نزدیک هم بود، تناولی مجسمه می‌ساخت و زنده‌رودی نقاشی می‌کرد (شکل ۱۲). ثمره‌ی این آشنایی، شکل‌گیری مکتب سقاخانه بود که در بخش بعدی به آن می‌پردازیم.



شکل ۱۲: دست - حسین زنده‌رودی



شکل ۱۱: قفل‌ها و قفس‌ها (۱۳۴۳)



هیچ

ای بی خبران، شکل مجسم هیچ است... (خیام)

پس از بازگشت از آمریکا، آلتیهی دیگری در محوطه‌ی دانشکده‌ی هنرهای زیبا زد؛ کار با مصالح جدید را بین دانشجویان باب کرد و کوره‌های مخصوص مجسمه‌سازی ساخت. همزمان، کارگاهی در ضرابخانه برای برنزریزی تاسیس کرد. پس از بازگشت به تهران، به گالری‌های مختلف سرزد و دید که موضوع تمام گالری‌ها، خط شده است؛ خط زیبا و خوشنویسی. این موضوع موجب آزردهی خاطرش گشت و تصمیم گرفت سراغ خط نرود. فکر کرد که یک کلمه را انتخاب کند و با آن زندگی کند. به گفته‌ی او، «هیچ»، هنگامی که شروع شد، یک اعتراض بود به وضع موجود هنر در ایران. اعتراض به ساده‌انگاری و بی‌توجهی هنرمندانی که از راه نرسیده، دستی بر مکتب سقاخانه می‌انداختند و با استفاده از مهارتشان در خوشنویسی ایرانی، آثاری سطحی به عنوان یک اثر هنری آوانگارد می‌ساختند. او احساس می‌کرد خط، وسیله‌ای برای ناقشان شده است. می‌خواست که با «هیچ»، خیلی حرف‌ها بزند و به جای همه‌ی حرف‌هایی که برای این اعتراض هست، بگوید که هیچی نیست. علاوه بر این، نمی‌خواست که این کلمه، تلخ باشد. در عوض می‌خواست که زیبا باشد و مردم آن‌را دوست داشته‌باشند و از نگاه کردن به آن، لذت ببرند. به همین علت، هیچ‌هایش را زیبا ساخت. هیچ، سر، چشم، بدنه و حرکت داشت و اگر با صندلی یا میز بود، مشخص بود که چه ارتباطی با آن دارد (شکل ۱۳ و ۱۴).



شکل ۱۴: هیچ و میز (۱۳۵۲)



شکل ۱۳: هیچ و صندلی (۱۳۵۲)

مجموعه‌ی دیوارها

می‌روند این بی‌زبان دیوارها بالا... (نیما)

هفت سال تمام فقط هیچ ساخت. در ابعاد و اندازه‌های مختلف، بزرگ و کوچک. طوری که چند نفر می‌توانستند از آن بالا بروند (شکل ۱۵) و کوچک، طوری که می‌توانست مثل یک انگشتر، روی دست جا بگیرد. آنقدر هیچ ساخت که احساس می‌کرد تخصص‌اش در هیچ سازی بیشتر است و اگر به او «هیچ ساز» می‌گفتند، اشکالی نداشت. پس از آن، تصمیم گرفت که هیچ را کنار بگذارد اما او در این مدت با هیچ خیلی نزدیک شده بود و یک دوستی قدیمی بینشان بود. از طرفی، می‌خواست که کارهای دیگری هم بکند. بنابراین تصمیم گرفت کارهای دیگری انجام دهد و هیچ را هم کنارش داشته باشد. او عکس یکی از هیچ‌هایش را روی دیوار انداخت و دیوارها را به اندازه‌های مختلف ساخت (شکل ۱۶).



بیشتر موضوعاتش، دیوارهایی بود که از نوشته‌های فارسی و یا عربی که به فرم‌های مختلفی درآمده بودند، انباشته شده بود. «مجموعه‌ی دیوارها» با الهام از دیواره‌های قبل از اسلام، مانند پلکان ورودی تخت جمشید، ساخته شده‌اند. برخی از دیوارها، یادآور ابنیه‌ی مقدسند که با متون اسلامی پوشیده شده‌اند. اما خطی که تناولی با آن روی دیوارهایش می‌نویسد، ابداع خود اوست. خط روی دیوارها، شرح یک داستان نیست بلکه معنا و مفهوم خاصی ندارد و در واقع، داستان ناگفتنی سرنوشت بشر است (شکل‌های ۱۷ تا ۲۱).



شکل ۱۸: آه پرسپولیس (۱۳۵۴)



شکل ۱۷: از مجموعه‌ی دیوارها



شکل ۱۶: هیچ روی دیوار



شکل ۲۱: دیوارهای ایران (۱۳۷۰)



شکل ۲۰: دیوارهای ایران ۳ (۱۳۵۶)



شکل ۱۹: یادبودی برای کوروش کبیر (۱۳۶۹)

مجموعه‌داری

قفل یعنی که کلیدی هم هست... (نصرت رحمانی)

تناولی تنها مجسمه‌ساخته است، در کنارش درس داده، کتاب نوشته، تحقیق کرده و به جمع‌آوری اشیاء پرداخته است. او یکی از معروف‌ترین مجموعه‌داران ایرانی است؛ چون مجموعه‌اش منحصر به فرد است و اشیایی را جمع‌آوری کرده که عامیانه محسوب می‌شوند. به گفته‌ی خودش، او جامع‌ترین مجموعه‌ی قفل ایران را دارد و از جهات زیادی آن را دوست دارد؛ حالت نر و ماده بودن قفل‌ها که با هم جفت و یکی می‌شوند، همیشه برایش الهام‌بخش بوده است. جالب این‌که در مجموعه‌ی او، قفل‌هایی هست که با سه کلید باز می‌شوند؛ این قفل، می‌تواند قفل گاوصندوق شرکت سه شریک باشد که هر کدام یک کلید آن را دارند و برای باز کردنش، حتماً هر سه شریک باید حاضر شوند (شکل‌های ۲۲ تا ۲۷). اشیایی که خریداری می‌کرده، حتماً با او ارتباطی داشتند. به عنوان مثال، هیچ‌گاه مینیاتور یا خط خریداری نمی‌کرد. از آن‌ها الهام می‌گرفت و با قالب‌گیری، مجسمه می‌ساخت. نشست و برخاست با آخرین نسل قفل‌سازان، فولادسازان و فرش‌بافان، برای او خاطره‌انگیز و از منابع الهامش است.



شکل ۲۴: از کتاب «قفل‌های ایران»



شکل ۲۳: از کتاب «قفل‌های ایران»



شکل ۲۲: از کتاب «قفل‌های ایران»



شکل ۲۷: از کتاب «قفل‌های ایران»



شکل ۲۶: از کتاب «قفل‌های ایران»



شکل ۲۵: از کتاب «قفل‌های ایران»

دست

بیا ذوب کن در کف دست من، جرم نورانی عشق را... (سهراب سپهری)

او از دو جهت به دست علاقه دارد. اول این که تنها عضو بدن است که در اسلام تحریم نشده و همه جا هست؛ به خاطر دست بریده‌ی حضرت ابوالفضل (ع) ساختن آن آزاد است و در سقاخانه‌ها و امامزاده‌ها دیده می‌شود (شکل ۲۸ و ۲۹).



شکل ۲۹



شکل ۲۸



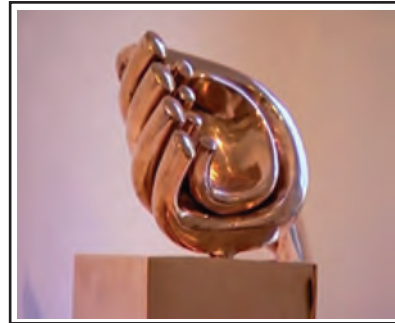
شکل ۳۰: دست فرهاد روی تیشه

دوم این که دست فرهاد، دستی است که شبانه‌روز تیشه می‌زده و هر بار، هزاران سنگ را پایین می‌ریخته است. دارای پنجه‌ها و انگشتان قوی بوده به طوری که آنقدر به تیشه‌اش فشار آورده که جای انگشتانش روی آن فرورفته است (شکل ۳۰).

این دست، خستگی ناپذیر بوده و دائماً در حال کار. دست عاشقی بوده که به جای تیشه زدن، می‌توانست عشق‌ورزی کند. نتیجتاً تناولی دو دست را داخل هم طراحی کرده است که نماد دست فرهاد است با معشوقه‌ی خیالی‌اش که هیچگاه به او نرسید اما دستش در دست او قرار دارد (شکل ۳۱ و ۳۲).



شکل ۳۲: شیرین و فرهاد (۱۳۵۰)



شکل ۳۱: دست‌ها

پرنده، سرو و شیر

نقش‌مایه‌های کار او هرچند محدودند اما در فرهنگ ایرانی، ریشه‌ی تاریخی طولانی‌ای دارند. پرنده، گاهی بلبل عاشق شعر فارسی، گاهی سیمرغ افسانه‌ای و گاهی کبوتر صحن امامزاده است (شکل ۳۳ و ۳۴).



شکل ۳۴: سیمرغ افسانه‌ای



شکل ۳۳: پرنده

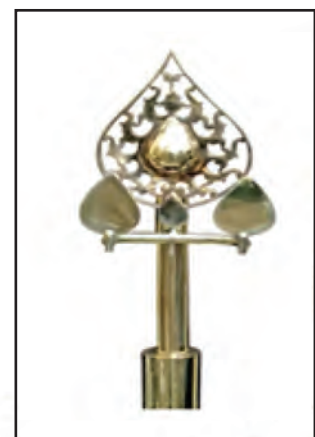
سروی که از مضامین آیین مهری است و در علم عاشورا برافراشته می‌شود (شکل ۳۵ و ۳۶) و شیرهایی که الهام گرفته از بنای تاریخی تخت جمشیداند، در آثار تناولی قد علم می‌کنند (شکل ۳۷).



شکل ۳۷: شیر



شکل ۳۶



شکل ۳۵: سرو



مکتب سقاخانه



نقاشی مکتب سقاخانه- اثر حسین زنده رودی

به نقل از جام جم آنلاین، یکی از مکاتب هنری که در دهه‌ی ۴۰ در ایران شکل گرفت، مکتب سقاخانه‌ای بود. از زمانی که مدرنیته به عرصه زندگی مردم ایران راه پیدا کرد، بخشی از جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه را دست‌خوش تغییر کرد. یکی از این جنبه‌ها، حیطه هنر بود. از همان بدو شکل‌گیری فضاهای نو در عرصه‌های فرهنگی، نزاعی میان سنت‌گرایان و تحول‌خواهان در گرفت.

نسل اول نقاشان نوگرا اکثراً آموزش‌دیده‌ی اروپا به‌ویژه فرانسه بودند و با مکتب‌های نقاشی مدرن نظیر «امپرسیونیسم»، «کوبیسم» و «کسپرسیونیسم» آشنا بودند و به نوعی این مکتب‌ها را وارد فرهنگ هنری و تجسمی ایران کردند و با تلفیق هنر غرب و ایران درصدد مدرن کردن هنر و نقاشی ایران بودند. افکار و آثار این نسل، اگرچه تلفیقی از مکتب‌های غربی و مضامین ایرانی شده بود اما از طرفی، نه غربی بود و نه ایرانی و از طرف دیگر، در تضاد با آثار نگارگری سنتی و مکتب کمال‌الملکی قرار گرفت.

کسانی که آثاری در عرصه‌های هنری مانند خوشنویسی و نقاشی داشتند و به نمادهای سنتی نیز علاقه‌مند بودند، تلاش کردند برخی از جنبه‌های حیات اجتماعی مردم را در هنر خود جلوه‌گر کنند. نقاشانی که در فکر بازنشر زندگی جامعه سنتی در آثار خود بودند، سعی کردند برخی از نمادها مانند درها، قفل‌ها، کلیدها، ضریح اماکن متبرکه، سقاخانه‌ها، نگین‌های انگشتری، الواح و شمایل را در آثار خود متجلی کنند.

گروهی که با این هدف شکل گرفت، بخشی از هنرمندان و فارغ‌التحصیلان دانشکده‌ی هنرهای تزئینی بودند و چهره‌هایی مثل رضا مافی، حسین زنده‌رودی، منصور قندریز، فرامرز پیلارام، صادق تبریزی، مسعود عربشاهی و پرویز تناولی را شامل می‌شدند. حسین زنده‌رودی در آثار خود از اعداد و حروف ایجاد استفاده کرده است که از حجره‌های دعانویسی کنار سقاخانه‌ها الهام گرفته شده است. برای اولین بار کریم امامی در توصیف آثار حسین زنده‌رودی از عبارت نقاشی سقاخانه‌ای استفاده کرد و بعدها این اسم روی این روند جدید هنری باقی ماند. او در کاتالوگ آثار نقاشان گروه سقاخانه، که در سال ۱۳۵۶ به چاپ رسید، نوشته است «مکتب ملی نقاشی، پیش از ظهور سقاخانه‌ای‌ها یک رویای آسمانی بود.» سقاخانه‌ای‌ها نشان دادند که با استفاده از مصالح آشنای دم‌دست، خیلی آسان‌تر می‌توان به این مکتب رسید.

بعدها این تفکر در هنر نقاشی ایران توسط نقاشانی مانند جعفر روحبخش، پرویز کلاتری، منصوره حسینی، رحیم نازفر، شهلا حبیبی و محمدعلی ترقی‌جاه دنبال شد و موجب شکل‌گیری جریان‌ها و مکاتب دیگری در عرصه‌ی هنرهای تجسمی کشورمان شد. این جمع، البته علاوه بر نقش و نگاره‌های سقاخانه‌ای، عناصر دیگری مانند اسب‌سواران، نگاره‌زنان دوره‌ی ناصری، خط کتیبه، مهر و جام، چهل‌کلید، نقش‌های گلیم، پنجه پنج‌تن، گنبد و حتی نقش برجسته‌های دوره‌ی آشور و کتیبه‌های هخامنشی را در آثار خود مورد توجه قرار داد و از این نمادها بهره برد.

سقاخانه‌ها با توجه به اهمیتی که به لحاظ اعتقادی داشت، مورد توجه قرار داشت و بانیان این مکان سعی می‌کردند که برای توجه‌دادن بیشتر مراجعه‌کنندگان، تصویرسازی‌هایی با رسم و شمایل اولیای دین، علم و کتل، تسبیح و زنجیر و نگین‌های متبرک، پنجه‌ی حضرت عباس و ... در سقاخانه‌ها انجام دهند. این شیوه‌ی نگارگری در آثار هنرمندان تجسمی هم راه پیدا کرد و باعث تکامل آن شد.

این شیوه‌ی نگارگری اگرچه در ابتدای پیدایش، مورد توجه بسیاری از هنرمندان قرار گرفت، اما از همان بدو شکل‌گیری، مخالفت‌های جدی با آن شد. منتقدان، بانیان مکتب سقاخانه‌ای و جریان‌های منشعب از آن‌را هنری التقاطی می‌دانند.

جلال‌آل‌احمد هم روی خوشی نسبت به این شیوه‌ی نگارگری نشان نداد و در توصیف آثار خطی یکی از هنرمندان این مکتب، آن‌را پرت‌وپلاهایی خواند که فقط به درد پر کردن فضاهای خالی یک تابلوی نقاشی می‌خورد.

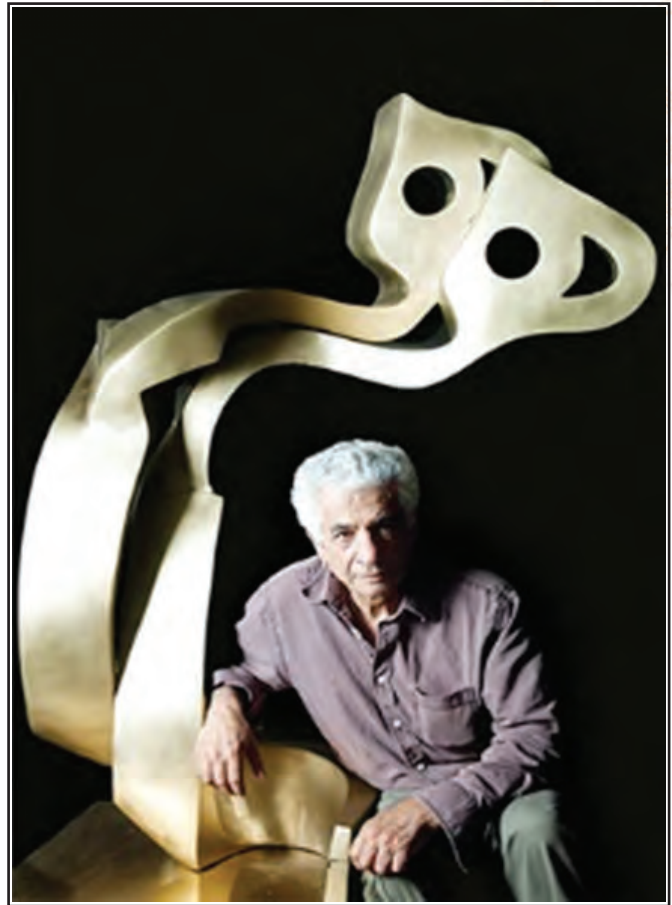
نقاشی سقاخانه‌ای عمری کوتاه داشت و در اندک زمانی، به تکرار روی آورد و شور و حرارت اولیه‌ی خود را از دست‌داد و تابلوی نیمه‌برجسته با اصالت دادن به ترکیب مواد و ایجاد بافت‌های متنوع جانشین آن شد. نقوش نیمه‌برجسته، به‌مرور به احجام سه‌بعدی تبدیل شد و پرداختی کاملاً انتراعی یافت. نقش، به حجم گرایش پیدا کرد و انواع مواد و مصالح کهن و فرسوده مورد استفاده قرار گرفت.

بررسی تداوم مکتب سقاخانه با معیارهای موجود در آثار هنرمندان شاخص خود، و البته با تکیه بر المان‌های مذهبی، نشان می‌دهد این مکتب کمتر از دو دهه در عرصه‌ی هنر حضور داشت ولی این تفکر به شیوه‌های دیگری در آثار هنری جعفر روحبخش، پرویز کلاتری، منصوره حسینی، رحیم نازفر، شهلا حبیبی، محمدعلی ترقی‌جاه و چند نفر دیگر بروز پیدا کرد و موجب شکل‌گیری مکاتب و جریان‌های هنری دیگری در عرصه هنرهای تجسمی ایران شد.

برخی از آثار معروف

معروف‌ترین اثر این هنرمند بزرگ و استاد مجسمه‌سازی ایران و خاورمیانه، مجموعه‌ی مجسمه‌های «هیچ» است. کمتر ایرانی هنردوستی است که با این آفریده‌ی تناولی آشنایی نداشته باشد. حدود ۵۵ سال پیش بود که او اولین «هیچ» را ساخت. در آن زمان این کلمه هنوز به شکل مجسمه درنیامده بود. نخست، این کلمه روی ورقه‌ای پلاستیکی به کار رفت؛ بعدها این شکل زیبا در دستان هنرمندش به صورت مجسمه ساخته شد و با خلاقیت بسیار، آن را با شکل‌ها و جنس‌های متنوعی عرضه کرد. در این میان می‌توان به هیچ‌های کلاسیک یک کلمه‌ای، هیچ در قفس، هیچ‌های پر پیچ و تاب، هیچ و صندلی، هیچ و میز و ... اشاره کرد.

او معتقد است: «هیچ» در برگرفته‌ی مفهومی بالاتر از نیستی است. در واقع همه چیز نیز هست. امید را می‌رساند و بسیار دوستانه است. «هیچ»، ارتباطی با پوچگرایی ندارد. این واژه برای او نماد نوعی تناقض در گذشته و حسی از بی‌معنایی یا انحلال نسبت به یک زمان حال ناخوشایند است. همانطور که قبلاً گفتیم، خود او از کلمه‌ی «هیچ» به عنوان واکنشی به محیط اطرافش یاد کرده است: «دانشگاهی که به روش‌های تدریس آن اعتقادی نداشتم، هنرمندانی که پدیده‌های جدید هنر غرب را در بوق و کرنا می‌کردند و اشراف‌زادگانی که کالاهای دست‌دوم غربی را می‌خریدند، در من نوعی واکنش اعتراض‌آمیز ایجاد کردند و هیچ، صدای این اعتراض بود». طبق اظهاراتش، یکی از دلایل گرایش او به سوی قالب خطاطی این کلمه، شباهت آن به پیکر انسان است. «هیچ»‌ها در حالت ایستاده، نشسته یا لمیده به گونه‌ای پراحساس و شیوا یادآور ماهیت تجسمی خوشنویسی ایرانی هستند.



هیچ‌های پر پیچ و تاب



هیچ و صندلی



هیچ در قفس

«شاعر» و «فرهاد و بیستون»: نام دو مجسمه‌ی مشهور دیگر از استاد است که در فضای باغ مجموعه‌ی فرهنگی تاریخی نیاوران قرار دارند. جنس هر دو از مس است و در سال ۱۳۴۰ با سبک مکتب سقاخانه، که بدان اشاره شد، خلق شده‌اند. این دو اثر، به سبب قرار گرفتن در فضای باز، آسیب دیدند و تا کنون، سه مرتبه توسط ایشان مرمت شده‌اند. بنابر اعلام مجموعه‌ی فرهنگی-تاریخی نیاوران، ۲۰ اثر حجمی و نقاشی از استاد تناولی با عنوان‌های فرهاد و بیستون، شاعر، مجموعه‌ی هیچ‌ها، این‌جا کسی دروازه‌ای را باز نمی‌کند، سیمرغ، شیر، مرغ و جوجه‌ها، تقدیس، بچگی سیمرغ، بلبل و منقار، یاران شیخ صنعان، مجموعه‌ی عشاق و غیره در فضاهای مختلف کاخ‌ها و موزه‌های مجموعه‌ی فرهنگی تاریخی نیاوران در معرض نمایش عموم قرار دارند.



«**فرهاد و قفل‌هایش**» یا «فرهاد قفل‌زن»، بیش از ۴۰ سال است که در کنار ساختمان تئاتر شهر تهران نصب شده است. در تنش قفل‌هایی تعبیه شده و کلیدی روی دست‌هایش قرار دارد. مجسمه‌ی «فرهاد» به‌خاطر قدمتی که دارد، به یک خاطره‌ی تصویری زیبا برای مردمی که هر روز از کنار تئاتر شهر و پارک دانشجو عبور می‌کنند، تبدیل شده است (شکل ۳۸). متأسفانه این مجسمه‌ی تناولی به‌دلیل نوع جانمایی و در دسترس بودنش به‌گونه‌ای تخریب شده است که نمای کنونی آن با طرح اولیه‌اش تفاوت‌هایی دارد. اتفاقی که بارها افتاده است و افراد ناشناس و عابران، تعدادی از قفل‌های روی تنش را کنده‌اند! البته این مجسمه چندبار مرمت شده است. هرچند که دربارهی نوع این مرمت‌ها نیز انتقادهایی مطرح شده است؛ مانند زدن رنگ روی یک مجسمه‌ی برنزی برای حفاظت آن! با افزایش ساخت‌وسازها در اطراف تئاتر شهر و مرمت‌های غیراصولی، این مجسمه بیش از گذشته در معرض آسیب قرار گرفته است.



شکل ۳۸: فرهاد قفل‌زن روبه‌روی تئاتر شهر

«**پرسپولیس ۲**»: شاخص‌ترین اثر ایرانی در حراج کریستیز دویی در اکتبر ۲۰۱۳ است که کارشناسان کریستیز، ۸۰۰ تا یک میلیون و ۲۰۰ هزار دلار برای آن قیمت پیشنهاد داده‌اند. پرسپولیس، نامی آشنا برای حافظه‌ی تجسمی خاورمیانه است؛ زیرا در سال ۲۰۰۸ میلادی، یک اثر از همین مجموعه‌ی تناولی، با فروش ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار دلاری رکوردی ساخت که تا امروز پابرجاست. لذا امیدواری‌ها به خلق رکوردی تازه از سوی این هنرمند پیشگام ایرانی بسیار بالاست.

تألیفات:

پرویز تناولی حاصل پژوهش‌های خود را در مقاله‌ها و کتاب‌های متعددی به نام‌های زیر به چاپ رسانده است:

«**قالیچه‌های تصویری**»: در سال ۱۳۶۸ توسط انتشارات سروش منتشر شده است. او در پیش‌گفتار این کتاب این‌گونه نوشته است: «وجه تشخیص قالیچه‌های تصویری در مقایسه با سایر قالی‌های ایرانی، موضوع آن‌هاست. این قالیچه‌ها به جای نقش و نگارهای سنتی و معمول، به انسان و گاه حیوان در قیاس‌های غیرمعمول می‌پردازند که این شیوه، در سنت فرش‌بافی ایران بی‌سابقه است.»

«**قفل‌های ایران**»: از مجموعه‌ی هنرهای از یاد رفته‌ی ایرانی و شامل ۷۰۰ قطعه عکس از قفل‌های ایران از دوره‌ی ساسانیان تا دوره‌ی قاجار است (شکل ۲۳ تا ۲۷). تناولی می‌گوید: «موضوع «قفل‌های ایران» را به زبان انگلیسی نوشتم که در واشنگتن به چاپ رسید و با استقبال فراوانی روبرو شد. پس از آن، تحقیقاتم را در این‌باره تا امروز ادامه دادم که حاصل آن، کتاب تکمیل‌شده و بسیار جامعی درباره‌ی قفل‌های ایران شده است.»

هنر خوشنویسی، انتزاعی ترین هنر تجسمی

نویسنده: مهسا یزدی فرد

خط، از مهمترین دستاوردهای بشری، هنگامی مورد توجه قرار خواهد گرفت که سیمایی زیبا و نظری خوش داشته باشد. از استاد معظم، دکتر الهی قمشه‌ای نقل است که "خط زیبا، تجلی عالم معنا در عالم صورت است. هنر، سرای است روحانی که چرخش‌ها و دوایر عالم هستی را بیاد می‌آورد و به زبان درس انس و الفت و مهربانی و نظم و تناسب و استواری می‌دهد و به آب لطف، روح را تلطیف کرده و غبار لفظ از چهره معنی می‌شوید تا جمال حقیقت بی پرده میان گردد".

سرچشمه هنر خوشنویسی به شکلی که امروزه آن را ما می‌شناسیم، در واقع به نقاشی‌های موجود در غارها بر می‌گردد و اگر به زمان‌های گذشته، یعنی زمانی که ارتباطات توسط گروهی از سربازان انجام می‌شد، برگردیم، در می‌یابیم که کلمات نوشته‌شده تنها نمایش تصویری از حوادث مهم در زندگی انسان‌های اولیه بوده است. در حدود ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح، مصری‌ها خطوط تصویری به سبک خاصی را اختراع کردند. این علائم بر روی مقبره‌ها حک شده یا توسط برس‌هایی رو کاغذ پاپيروس نقاشی می‌شدند.

هزاران سال بعد، یعنی ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد، فنیقیه‌ها یک گام جلوتر رفتند و یکی از اولین الفباها و سیستم‌های نوشتاری را بسط و توسعه دادند. طی قرون وسطی، لاتین زبان مشترک کلیساها در اروپا بود و راهبان و عده کمی از اشراف و نجیب‌زادگان، تنها اعضای باسواد جامعه را تشکیل می‌دادند. در همین قرون، راهبان نویسنده، به دلیل گران بودن کاغذ یک سبک نوشتاری را تدوین نمودند که در آن کلمات، نازکتر و باریک بودند و تعداد بیشتری از آن‌ها در یک خط جای می‌گرفتند این سبک تحت عنوان گوتیک شناخته‌شده و به‌عنوان یک تکنیک نوشتاری عمومی در قرون وسطی در آمد. هم‌زمان با رواج و رونق گرفتن انواع هنرها در طول دوره رنسانس اروپا، هنر خوشنویسی نیز بسیار رواج پیدا کرد. خوشنویسی شکسته (کاپرولیت) کلیشه شده که در آن چاپ خطوط ریزتر نسبت به رسم الخط ایتالیک بود، خطاطان را مورد تهدید قرار داد و تا یکصد سال بعد، هنر خوشنویسی لاتین، در انحطاط و سراسیمگی عمیقی قرار گرفت. جایگزین شدن قلم‌های نوک پهن و سخت را که توانایی ایجاد قوس‌های خاص را نداشت، می‌توان یکی دیگر از علل رکود خوشنویسی در قرن نوزدهم شمرد.

خوشنویسی، یک هنر همگانی است که مرزهای آن محدود به اروپا و ایالات متحده نیست. نه تنها در کشور ایران که قدمتی چند هزار ساله دارد، بلکه در حدود ۱۵۰۰ سال قبل میلاد مسیح، چینی‌ها نیز یک تکنیک نوشتاری پیچیده را توسعه دادند که ۱۵۰۰ حرکت در آن وجود دارد که مورد استفاده قرار می‌گرفت. امروزه، خوشنویسی از دیدگاه چینی‌ها از معتبرترین هنرها به شمار می‌رود. عرب‌ها نیز به‌واسطه تاریخچه خطاطی‌شان مشهور هستند. از نظر خطاطان واقعی، هنر خوشنویسی مادامی که حداقل یک هنرمند علاقه‌مند به آن وجود داشته باشد، زنده خواهد ماند و خوشنویسی همچنان از اعماق وجود هنرمندانی برمی‌خیزد که احساس واقعی دست‌نوشته‌ها را با ترسیم کلمات بر می‌انگیزند. تاریخچه خوشنویسی در ایران نیز قبل از اسلام، خطوط مختلفی از جمله میخی، پهلوی و اوستائی در ایران متداول بوده است. با ظهور دین اسلام، نیاکان ما الفبا و خطوط اسلامی را پذیرا شدند. خط متداول آن زمان، که نزدیک دو قرن قبل از اسلام شکل گرفته بود، خط کوفی و نسخ قدیم بود.

خطوط مختلف خوشنویسی

کلک‌ها یا خطوط مختلفی که در زمان‌ها و سرزمین‌های مختلف اسلامی رایج بوده و اغلب آن‌ها کم و بیش به حیات خود ادامه می‌دهند، عبارتند از: کوفی، بنایی، نسخ، ثلث، محقق، تعلیق، توقیع، اجازت، جلی، جلی دیوانی، دیوانی، رقاع، رقععه، ریحانی، سنبلی، آندلسی، سیاق، شجری، شکسته، نستعلیق، شکسته نستعلیق



بزرگان خوشنویسی

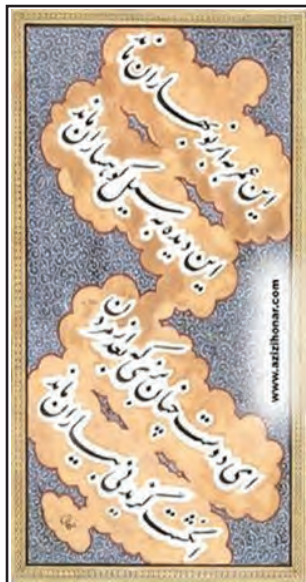
در قرن ۱۳، در دوره قاجاریه، خطاطان بزرگی پا به عرصه میدان نستعلیق و دیگر اقلام نهادند و سختی‌های این هنر ظریف را به جان خریدند و در توسعه آن کوشیدند که اسامی معروفترین آن‌ها از آن زمان تاکنون به شرح ذیل می‌باشد:

عباس نوری، وصال شیرازی، احمد شاملو مشهدی، سید محسن میرحسینی خوشنویس، اسداله شیرازی، میرزا آقا خمسه ای، ابوالفضل ساوجی، عبدالرحیم افسر، محمدحسین شیرازی، میرزا محمد ابراهیم تهرانی (میرزا عمو)، میرزا غلامرضا اصفهانی، میرزا محمد رضا کلهر، محمدحسین عمادالکتاب، مرتضی نجم آبادی، سیدحسن میرخانی، سیدحسین میرخانی، علی اکبر کاوه، ابراهیم بوذری، حسن زرین خط، غلامحسین امیرخانی، عباس اخوین، بداله کابلی خوانساری، کیخسرو خروش و غیره.

انجمن خوشنویسان

انجمن خوشنویسان ایران از سال ۱۳۲۹ با همت استادان بزرگواری چون زنده‌یاد سید حسین میرخانی و دیگر استادان والامقام نظیر شادروانان علی اکبر کاوه، ابراهیم بوذری، سید حسن میرخانی و با اهتمام زنده‌یاد دکتر مهدی بیانی، محقق و استاد دانشگاه و تنی چند از عالی‌همتان فرهنگ‌خواه و با همکاری وزارت فرهنگ و هنر وقت تأسیس و راه‌اندازی شد.

اکنون نظاره‌گر تعدادی از آثار خوشنویسی هنرمندانی که نام آن‌ها در بالا ذکر شد، خواهیم بود:



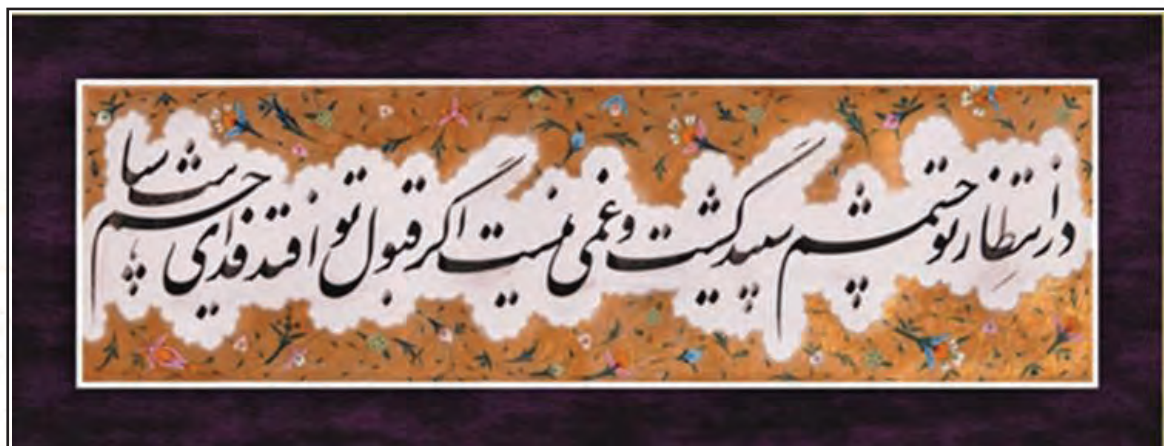
استاد کیخسرو خروش



استاد علی اکبر کاوه



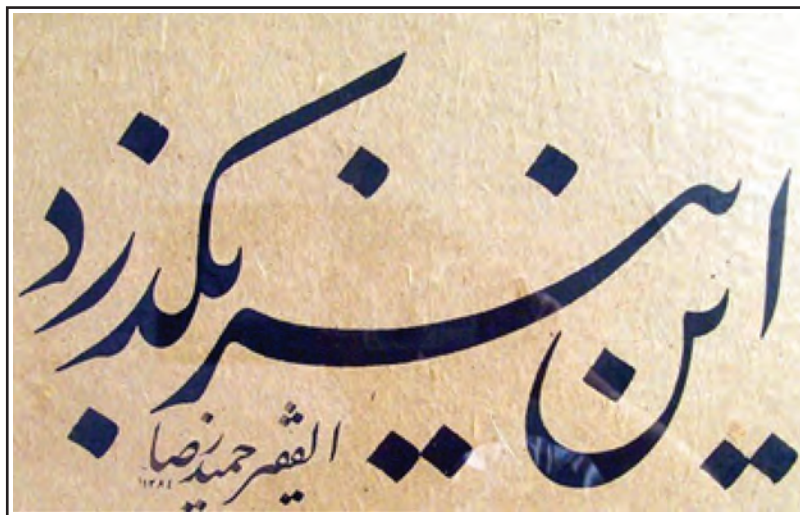
استاد میرزا محمد رضا کلهر



سید محسن میرحسینی خوشنویس



استاد غلام حسین امیرخانی



اثر میرزا غلامرضا اصفهانی

درجات و مراتب خط و مراتب استادی و شیوه‌ها

آغاز و انجام خوشنویسی به شش دوره منقسم است: ابتدائی، متوسطه، خوش، عالی، ممتاز و استادی. از میان علاقه‌مندانی که قدم در راه فراگیری این هنر می‌گذارند، کمتر کسی یافت می‌شود که تمام این راه را طی کند و به استادی برسد. بیشتر آنان در رسیدن به یک، دو و یا سه دوره‌ی آن توفیق می‌یابند؛ زیرا کاری پرزحمت و مشکل است که فقط عشق و علاقه آسانش می‌کند و در خور حوصله هر کس نیست. مخصوصاً زندگی ماشینی امروز و مشغله‌ی زندگی متنوع، کمتر به اشخاص اجازه می‌دهد که به این هنر ارزنده بپردازند و در این راه پیشتر روند و جز فردی دلباخته، کسی به ادامه و تکمیل آن نمی‌پردازد.

مرتبۀ ابتدائی و متوسط، آن است که هنرجو در اثر مختصر تعلیم و آشنائی به قواعد آن، خطی روشن و خوانا پیدا کند و این درجه‌ی فرودین خط است که از نظر هنر خوشنویسی، اهمیتی ندارد و تنها امتیازش این است که از خط مبتدی برتر و بهتر است و قدمی به خوشنویسی نزدیکتر شده است. مرتبۀ خوش، مرتبۀ ای بالاتر از متوسط است که در آن نکات تعلیم استاد بیشتر رعایت شده و زیبایی و مرغوبیت بیشتر دیده می‌شود.

مرتبۀ عالی، به لحاظ درجاتی بالای خوش قرار گرفته است و آن خطی است که از نظر اصول، قواعد و زیبایی، وضعی در آن دیده نشود و قطعات و مکتوباتی که بدین پایه و مایه باشد دارای اهمیت و ارزش خواهد بود.

ممتاز، خطی است که در حد عالی ترین و نهایت کمال و زیبایی و صفا و شان قرار گرفته باشد و بهتر از آن در نظر اهل فن تصور نشود. چنین قطعات و نوشته‌هایی را در هر زمان و هر جا ارزش فوق‌العاده نهند.

مراتب خطاطی و خوشنویسی، چنان‌که اشاره شد، نیز از روی این مراتب و درجات خط است و مرتبۀ استادی از حد عالی به بالا احراز می‌شود و کمتر کسی را استاد می‌خوانند. بنابراین، استاد کسی است که پیوسته در حد عالی و ممتاز نویسد و خوب از عهده برآید که قدرت قلم او به نام شیوه‌ی خاص او شناخته و معروف گردد.

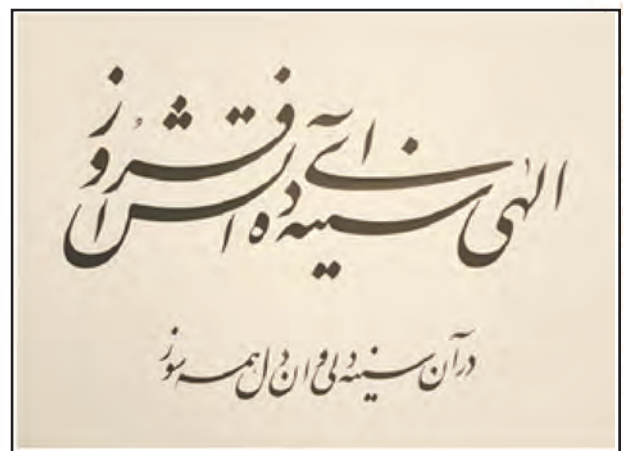
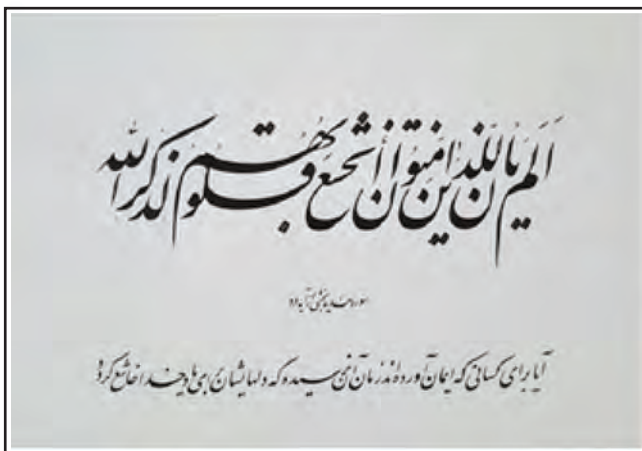


ابزارهای خوشنویسی

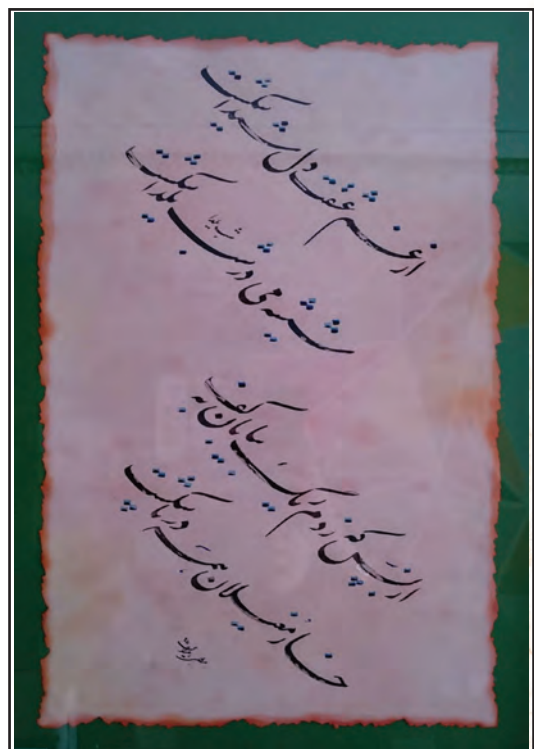
وسایل و ابزار خوشنویسی در خلق یک اثر مطلوب بسیار مؤثرند. ابزار خوب، مشوق هنرمند در ادامه کار و پیشرفت اوست. ابزار مهم و اصلی خوشنویسی عبارتند از:

- قلم‌نی: نوع مرغوب آن از نی‌های دزفولی (برای قلم‌های ریز و متوسط) یا نی خیزران (برای درشت‌نویسی) تهیه می‌شود.
- کاغذ: امروزه کاغذهای گلاسه، به ویژه گلاسه‌ی مات، برای نوشتن مناسبند.
- مرکب: مرکب باید مخصوص خوشنویسی باشد. بیش از همه مرکب مشکی و پس از آن قهوه‌ای کاربرد دارد.
- افزون بر آن از وسایل خوشنویسی می‌توان به ابزار زیر اشاره کرد:
- دوات، ليقه، قلم‌تراش، قطن، سنگ تیزکن قلم‌تراش، قلم‌دان، زیرمشق، مسطره، ابزار به‌هم زدن ليقه و مرکب و قاشق مخصوص آب ریختن در دوات.
- مطالب فوق به نقل از وبلاگ <http://alij1.blogfa.com/> می‌باشد.
- در پایان نیز با آثار دو تن از خوشنویسان کانون هنرهای تجسمی آشنا می‌شویم:

۱- آثار آقای احسان نیک‌بین - نوع خط: نستعلیق، تکنیک اثر: قطعه‌نویسی



۲- آثار آقای حسین مطلبی - نوع خط: نستعلیق، تکنیک اثر: چلیپا و ترکیبی



تازه‌های هنری

نویسنده: رفیعه مصاحب

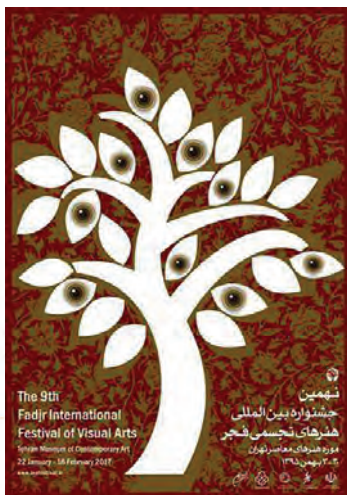
اخبار هنری

جشنواره بین‌المللی فجر، نهمین دوره خود را در تاریخ سوم بهمن با حضور جمعی از بزرگان این عرصه آغاز کرد. از جمله اهداف این دوره از جشنواره، تأکید بر کیفیت، نگاه خلاقانه و برندسازی بوده است.

جشنواره فجر دارای حوزه‌های هنری متنوعی است که در هر حوزه، از برترین‌ها تقدیر به عمل آمد: برنامه تلویزیونی برتر "برنامه هنرنامه"، نگارخانه برتر "گالری اثر"، ناشر برتر "انتشارات گویا"، خبرگزاری برتر "خبرگزاری مهر"، انجمن برتر "انجمن نگارگری"، رویداد برتر "جشنواره جهانی هنر مقاومت"، اداره کل استان برتر "استان کردستان"، رایزن فرهنگی برتر "رایزن فرهنگی ایران در ارمنستان" و مدیریت حامی تجسمی "سازمان منطقه آزاد اروند" شد.

در این دوره از جشنواره، هنرمندانی از ۴۸ کشور شرکت کرده اند که در مجموع ۳۱۶۳ هنرمند ایرانی و ۱۳۳۳۲ هنرمند از سایر کشورها هستند. ۴۱ درصد از شرکت‌کنندگان برای اولین بار در این جشنواره شرکت کرده‌اند. پس از دو دوره داوری و بازنگری، ۱۰۲ اثر از ۱۰۲ هنرمند به نمایشگاه راه یافتند که از این تعداد، آثار ۴۱ نفر از تهران، ۵۷ نفر از سایر شهرها و ۴ نفر از کشورهای بلژیک، برزیل، ترکیه و ایالات متحده آمریکا در این جشنواره به نمایش درآمده است.

نمایشگاه در دو مرکز مهم هنری تهران یعنی موزه هنرهای معاصر و فرهنگسرای نیاوران در حال برگزاری است. بخش اصلی آثار، در موزه هنرهای معاصر و بخش‌های جنبی و همایش‌ها، در فرهنگسرای نیاوران دایر است.



معرفی نرم افزار

در این بخش به معرفی دو نرم‌افزار آموزشی هنری برای سیستم عامل اندروید می‌پردازیم:

(۱) نقاشی دکوراتیو:



کافیست عبارت "نقاشی دکوراتیو" را در نرم‌افزار بازار جستجو کرده و آن را نصب نمایید. تیم "هنری. کام" به وسیله این برنامه و از دو طریق فیلم‌های آموزشی و آموزش‌های مرحله به مرحله، اقدام به آموزش رایگان هنر پتینه (نقاشی دکوراتیو) کرده است. با استفاده از این نرم افزار، می‌توانید تکنیک‌هایی مانند دکوپاژ، انواع کهنه کاری، انواع ترک، قلم‌زنی، نحوه استفاده از ترانسفر، کار با دورگیر و ... را یاد بگیرید.

هم‌چنین تمام مواد اولیه و ابزارهای استفاده شده در آموزش‌ها را می‌توانید داخل همین برنامه (و از طریق وبسایت هنری. کام) خریداری نمایید.

(۲) هنری. کام:



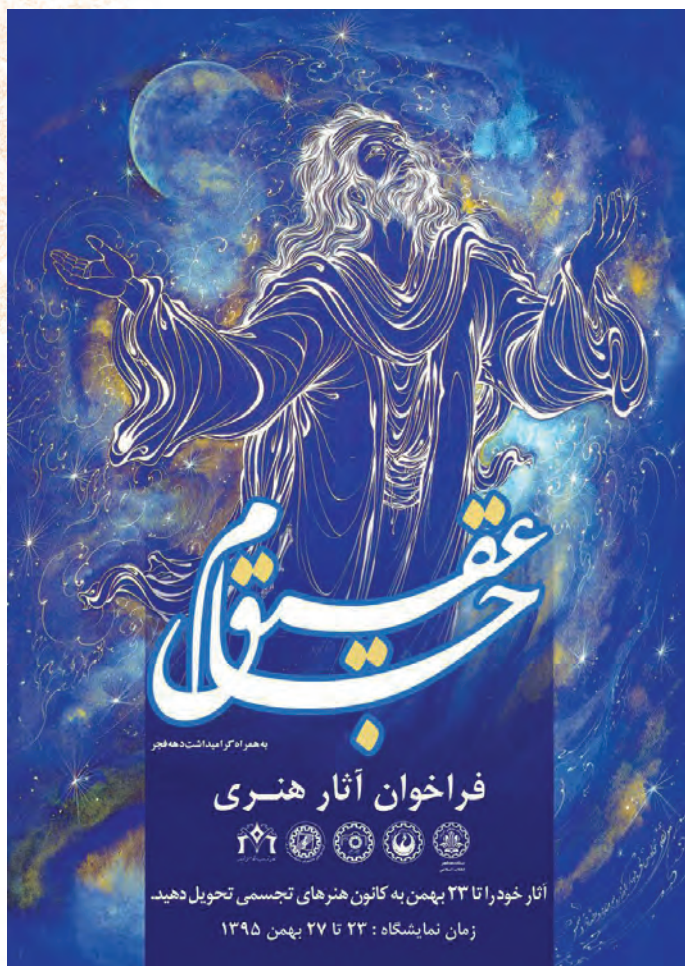
یکی دیگر از نرم‌افزارهای منتشر شده توسط این تیم هنری، نرم‌افزار "هنری. کام" است که آن را نیز می‌توانید از طریق نرم‌افزار بازار دانلود کنید و هنرهایی نظیر بافتنی، چرم‌دوزی، نمددوزی، روبان‌دوزی، معرق‌کاشی، قلاب‌بافی و غیره را به رایگان آموزش ببینید. کافیست پس از نصب نرم‌افزار، زمینه‌های هنری مورد علاقه‌ی خود را انتخاب و تصاویر آموزشی آن را مشاهده کنید.

از قابلیت‌های دیگر این نرم‌افزار، امکان به اشتراک گذاشتن کارهای هنری شما با دیگران و مطرح کردن سؤالات مربوطه است.

کلیه امکانات این نرم‌افزار از طریق سایت www.honari.com نیز قابل دسترسی می‌باشد.



بزرگترین رویداد هنری دانشگاه شریف به نام جام عقیق



شاید اسم "جام عقیق" این روزها زیاد به گوشتان خورده باشد. جام عقیق نام نمایشگاهی است که قرار است آثار شما در آن نمایش داده شود.

تا به حال اتفاق افتاده که اثر هنری‌ای را خلق کرده باشید، برای آن زحمت بسیار کشیده باشید و آن را در نمایشگاهی بزرگ شرکت داده باشید تا مورد تحسین بقیه قرار بگیرد و دیگران نیز از آن لذت ببرند؟

جام عقیق در واقع نمایشگاهی با همین هدف است. نمایشگاهی از آثار دانشجویان و کارمندان هنرمند دانشگاه شریف!

این رویداد اولین بار در آذرماه سال ۱۳۹۴ برگزار شد. امسال نیز با مشارکت خانواده‌ی شریف برگزار خواهد شد. امیدواریم روند برگزاری این رویداد هنری همچنان با مشارکت دانشجویان ادامه پیدا کند.

و اما جام عقیق امسال:

کانون هنرهای تجسمی در نظر دارد جشنواره هنری ((جام عقیق)) را به همراه گرامیداشت دهه فجر در بهمن ماه امسال برگزار نماید.

لذا از کلیه دانشجویان و کارمندان دانشگاه دعوت به عمل می‌آوریم تا در این رخداد هنری شرکت کنند.

زمان برگزاری نمایشگاه ۲۳ تا ۲۷ بهمن ماه است که در همکف شهید رضایی برپا خواهد شد.

محوریت نمایشگاه شامل کلیه رشته‌های هنرهای تجسمی اعم از نقاشی، طراحی، سیاه قلم، خوشنویسی، نگارگری، معرق، منبت، صنایع دستی و ... است.

موضوع آثار آزاد است.

جوایز ارزنده‌ای به برگزیدگان نمایشگاه در دو بخش کارمندان و دانشجویان اهداء خواهد شد.

علاقه‌مندان می‌بایست آثار خود را به دفتر کانون هنرهای تجسمی واقع در بیرون ساختمان شهید رضایی، جنب پست، تحویل دهند.

جهت کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید به دفتر کانون هنرهای تجسمی مراجعه کنید یا با شماره های ۰۶۶۱۶۵۸۰۶ یا ۰۹۳۸۸۱۳۹۲۳۷ تماس حاصل نمایید.

منتظر آثار شما هستیم.

کانون هنرهای تجسمی دانشگاه شریف



نقش خیال، گاهنامه کانون هنرهای تجسمی دانشگاه صنعتی شریف

صاحب امتیاز: کانون هنرهای تجسمی

مدیر مسوول: رفیعه مصاحب

سر دبیر: مهسا یزدی فرد

هیات تحریریه: رفیعه مصاحب، مهسا یزدی فرد، زهرا نوروزی، رامین یکتا

همکار این شماره: راضیه یگانه

حمایت و پشتیبانی دبیرخانه نشریات دانشگاه صنعتی شریف

جهت چاپ مطالب خود در گاهنامه و یا ارسال انتقادات و پیشنهادات، با

ما تماس بگیرید:

تلفن: ۰۶۶۱۶۵۸۰۶

@ Email: sharif_tajassom@googlegroups.com

Telegram: @honar_sharif

Instagram: Honar.Sharif